

## عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار

مورد مطالعه: زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران در سال ۱۳۹۱  
مهدی کرمانی،\* محمد مظلوم خراسانی،\*\* حسین بهروان،\*\*\* محسن نوغانی\*\*\*\*  
(تاریخ دریافت ۹۲/۰۲/۳۱، تاریخ پذیرش ۹۲/۰۷/۱۷)

### چکیده

زنان سرپرست خانوار فقیر یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه هستند. این زنان علاوه بر نقش‌های متداول زنان در خانواده، متولی نقش‌های مربوط به "سرپرستی خانوار" شامل دو رکن کلیدی "تأمین معیشت" و "اداره و مدیریت" خانوار نیز هستند. تحقیق حاضر با هدف شناسایی و ارزیابی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با در نظر داشتن دو رکن مذکور پیش برده شده است. در این راستا پژوهشی پیمایشی در جامعه هدفی متشکل از ۸۲۴ زن شاغل در مراکز کارآفرینی و مهارت‌آموزی کوثر وابسته به شهرداری تهران صورت پذیرفته است. داده‌های حاصل با روش‌های آماری چند متغیره همچون تحلیل همبستگی، تحلیل عاملی، تحلیل خوشه و رگرسیون ترتیبی تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر تأثیرگذاری قوی توانمندی اقتصادی بر متغیر

---

\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

kermanimahdi@yahoo.com

\*\* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد mazloom@um.ac.ir

\*\*\* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد behravan@um.ac.ir

\*\*\*\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد noghani@um.ac.ir

وابسته تحقیق بوده است. در بین متغیرهای زمینه‌ای نیز سن، اثر منفی و مدت سرپرستی اثر مثبت بر متغیر وابسته داشته است. همچنین در مجموع زنان مطلقه نسبت به سایر زنان از سطح توانمندی بالاتری برخوردار بوده‌اند.

**مفاهیم کلیدی:** توانمندسازی - فقر - زنان سرپرست خانوار - تحلیل عاملی - رگرسیون ترتیبی

### مقدمه و بیان مسأله:

زنان سرپرست خانوار با توجه به این که ترکیبی از وظایف رسمی و غیررسمی، قانونی یا عرفی، پیدا یا پنهان را در ارتباط با کار خانه دارند، چنانچه مجبور به حضور و کار در بیرون خانه برای کسب درآمد مورد نیاز خود و خانواده‌شان بشوند، بیش از پیش با خطر ورود به چرخه فقر و بی‌قدرتی آن‌گونه که چمبرز (۱۳۸۷) توصیف نموده است، روبه‌رو می‌گردند. ساعات طولانی کار در مشاغل سخت و بعضاً زیان‌آور، با درآمدهای نابرابر نسبت به مردانی در موقعیت شغلی مشابه، دچار شدن به ضعف جسمانی و به دنبال آن بیماری، از دست دادن توان نظارتی و تربیتی در ارتباط با فرزندان و احیاناً حوادث غیرمترقبه که ضمن ایجاد اختلال‌های جدی در روندهای معمول زندگی، هزینه‌های سنگین مالی را نیز به چنین خانواده‌هایی تحمیل می‌کند، همه و همه می‌توانند این زنان را در معرض سقوط به ورطه فقر مطلق و ناتوانی غیرقابل بازگشت سوق دهند.

به طور کلی زن بودن در اغلب موارد متضمن قرار گرفتن در موقعیتی نابرابر در ساختار اجتماعی از سطوح کلان آن همچون مشارکت در مدیریت‌های طراز اول نظام سیاسی و اقتصادی حاکم تا سطوح خرد آن مانند محیط خانواده و روابط متقابل روزمره بوده است (گیدنز ۱۳۸۹، ساروخانی و محمودی، ۱۳۸۷). به‌علاوه مجموعه پرشماری از عناصر فرهنگی شامل انواع قوانین، سنن رایج، هنجارها، باورها، ارزش‌ها، انتظارات غیررسمی، اصول اخلاقی و غیره است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر وضعیت نابرابر زنان در خانواده و اجتماع صحنه می‌گذارند و از آن پشتیبانی می‌نمایند. زنان برای پذیرش جایگاه نابرابر خود در نهاد خانواده و حتی در نظام آموزشی رسمی و نیز به واسطه رسانه‌های جمعی آموزش می‌بینند و توسط نمایندگان مختلف جامعه که در هر یک از این محیط‌ها حاضر و فعالند، اجتماعی می‌شوند. همچنین آن‌ها به طور دائم به منظور تضمین اثربخشی آموزه‌هایشان و در راستای تبعیت از الگوهای مقبول جامعه تحت نظارت و کنترل رسمی و غیررسمی قرار دارند. این ادعاها و بیش از آن‌ها در بسیاری از متون و

منابع فمینیستی به تفصیل مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است (رودگر، ۱۳۸۸؛ روباتام، ۱۳۸۵؛ میشل، ۱۳۷۶). و تحقیقات تجربی و مطالعات میدانی متعددی در راستای مشخص ساختن مصادیق مختلف آن در جوامع گوناگون انجام شده است (چانت<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). نتیجه اصلی که از اغلب این مطالعات می‌توان گرفت این است که در جوامع و فرهنگ‌های مختلف، «زننگی» به مثابه «برساخت اجتماعی» جنس زنان به خودی خود می‌تواند منشاء و منبعی برای مسأله آفرینی در زندگی آنان باشد.

تحلیل مشابهی را می‌توان برای فقر صورت داد. با این تفاوت عمده که فقر مقوله‌ای عام است و فراتر از جنسیت تعریف می‌شود و موضوعیت می‌یابد. اما قابلیت بالایی برای چسبندگی به آن و گرفتن رنگ و بوی جنسیتی دارد (علیزاده گرگی، ۱۳۸۶). به طور کلی فقر در اشکال مختلف، به ویژه فقر مادی و اقتصادی چنان مسائل دامنه‌داری را برای فقرا به دنبال می‌آورد که علاوه بر درگیر ساختن آن‌ها در محرومیت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعدد می‌تواند در نهایت به طرد اجتماعی، انزوای ناگزیر و حتی نابودی فیزیکی افراد منتهی گردد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹). عوامل موثر بر فقر پرشمارند. در عین حال بسیاری از پیامدهای فقر بر گستره و عمق آن دامن می‌زنند و بر میزان و درجه آن می‌افزایند (چمبرز، ۱۳۸۷). می‌توان ادعا نمود فقر خود از مسائل کاملاً پیچیده اجتماعی است. احتمالاً دلیل اصلی دیرپایی و تداوم حضور آن در اکثریت قریب به اتفاق جوامع اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه یا کمتر توسعه‌یافته نیز به واسطه همین پیچیدگی ذاتی پدیده فقر باشد (هلد<sup>۲</sup> و کایا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۱).

سومین رکن مقوله مورد نظر «سرپرستی خانوار» است. «سرپرستی خانوار» طبق تعاریف رایج (برناردز، ۱۳۹۰؛ ساروخانی، ۱۳۸۸) و حتی براساس فهم عمومی از آن، مستلزم توان اداره کردن و تأمین نمودن مایحتاج مجموعه یا واحد اجتماعی مورد نظر (که در این‌جا خانوار است) از سوی فردی است که این نقش براساس قواعد رایج در آن اجتماع و بر مبنای الگویی مورد توافق از تقسیم کار برعهده وی گذاشته شده است. طبیعتاً همان قواعد و الگوها، برای دیگر کنش‌گران ذی‌نفع نیز نقش‌هایی معین و دستورالعمل‌هایی متناظر با هر نقش تعریف نموده‌اند. حال چنانچه زمین بازی به هر دلیل به نحوی بر هم بخورد که یکی از طرفین ناگزیر از پذیرش نقش یکی از طرف‌های مقابل خود و ایفای مسئولیت‌های متناظر با آن گردد در حالی که اولاً برای پذیرش نقش جدید

1. Chant  
2. Held  
3. Kaya

از آمادگی لازم برخوردار نیست و ثانیاً همچنان موظف به ایفای وظایف نقش سابق خود نیز است، شرایط نسبتاً پیچیده‌ای پیش می‌آید که جامعه‌شناسان آن‌ها را در قالب مفاهیمی همچون «فشار نقش» «ابهام نقش» و «تضاد نقش» تحلیل و بررسی می‌نمایند (کوئن، ۱۳۸۸). این درست همان اتفاقی است که در یک بستر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پذیرا برای سرپرستی مرد بر خانواده، در صورت کنار رفتن وی و واگذاری سرپرستی به زن می‌تواند رخ بدهد.

حال اگر این سه مقوله مورد بحث در کنار یکدیگر و به صورت توأمان دیده شوند، می‌توان انتظار سطوح بالایی از در هم تنیدگی و پیچیدگی را داشت: «زن سرپرست خانوار فقیر» ناگزیر از «سرپرستی» خانوار شده است بدون آن که نقش‌های دیگرش در خانواده را کنار گذاشته باشد؛ او «فقیر» است در حالی که «سرپرستی» مستلزم توان تأمین مایحتاج خانوار است؛ و نهایتاً این که «زن» است در شرایطی که «زن» بودن به دلیل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات موجود در جامعه، رهایی از فقر و امکان سرپرستی خود و یا خانوار را برای وی دشوارتر از پیش می‌سازد. بنابراین در مطالعه نظری و میدانی پیرامون «وضعیت زنان سرپرست خانوار فقیر» سروکار محقق با «مسئله اجتماعی» پیچیده‌ای خواهد بود که تبیین شایسته آن مستلزم تبعیت از الگوها و روش‌های مطالعاتی و مدل‌های نظری و مفهومی مناسب برای مواجهه با چنین مسأله‌ای است. در عین حال جستجوی راهکارهایی که متضمن بهبودهایی پیوسته و تا حد امکان پایدار در وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان فقیر سرپرست خانوار باشد، زمینه ساز جلب توجه نسبت هدف اصلی این پژوهش یعنی بررسی عوامل جامعه شناختی مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شده است.

#### مروری بر پیشینه تجربی

مباحث مرتبط با توانمندسازی زنان با توجه به فراگیری مسائل اجتماعی مرتبط با آن در جوامع مختلف، در دهه‌های اخیر موضوع تحقیقات متعددی بوده است (گیل و گانش<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ شولدر و روتا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ شولدر، اسلامو روتا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ مورل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴، سانتیلان، شولدر، آن و دیگران<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴؛ گاربا<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹؛ چارمز و ویرینگا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳، بتتا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶).

1 Gill & Ganesh

2 Schuler & Rottach

3 Schuler, Islam & Rottach

4 Morell

5. Santillán, Schuler, Anh & etal

بسیاری از تحقیقاتی که در حوزه علوم اجتماعی و به طور مشخص جامعه‌شناسی توسعه به موضوع «زنان سرپرست خانوار» یا «خانوارهای زن سرپرست» و مسائل پیرامون آن‌ها پرداخته‌اند، دغدغه‌های اصلی و پیشینی خود را در حوزه فقر و نابرابری تعیین نموده‌اند (محمدی، ۱۳۸۶؛ رضایی، ۱۳۸۰؛ شادی طلب و گرایبی نژاد، ۱۳۸۳؛ شولدر و روتاک، ۲۰۱۰؛ گیل و گانش، ۲۰۰۷). البته برخی محققین نیز به‌این مقوله به‌عنوان یک صفت اجتماعی تمایزبخش نگریسته‌اند که مبنایی برای مطالعه و مقایسه کنشگران اجتماعی در شرایط معین را برای‌شان فراهم ساخته است (نصیری ماهینی، ۱۳۸۸؛ خیری خامنه، ۱۳۸۸؛ جمال نیک، ۱۳۸۸).

پژوهش‌های انجام شده در ایران در ارتباط با موضوع زنان سرپرست خانوار را می‌توان در چهار دسته کلی جای داد. در بین موارد مورد بررسی، برخی از تحقیقات عمدتاً بر آسیب‌شناسی وضع زنان سرپرست خانوار تأکید داشته‌اند (محمدی، ۱۳۸۶؛ رضایی، ۱۳۸۰). در گروهی دیگر از تحقیقات صورت گرفته، تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و اقتصادی بر وضع زندگی زنان سرپرست خانوار مورد توجه بوده است، عواملی از قبیل: سرمایه اجتماعی (نصیری ماهینی ۱۳۸۸)، کمیت و کیفیت خدمات اجتماعی ارائه شده (میرزایی، ۱۳۸۸ و درودیان، ۱۳۸۸) و آموزش (فاتحی، ۱۳۸۷ و جمال نیک، ۱۳۸۸). در بخش سوم این تقسیم‌بندی می‌توان پژوهش‌هایی را جای داد که به توصیف جنبه‌های مختلف زندگی زنان سرپرست خانوار و سنجش نگرش آن‌ها نسبت به موضوعات مختلف مرتبط پرداخته‌اند (شکاری الانق، ۱۳۸۴ و خیری خامنه، ۱۳۸۸). هرچند در اغلب پژوهش‌های فوق‌الذکر به‌طور ضمنی مباحث مرتبط با توانمندسازی نیز قابل پیگیری است اما گروهی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته پرداخت آشکارتری به‌این موضوع داشته‌اند (مانند فاتحی، ۱۳۸۷؛ تقی زاده، ۱۳۸۵؛ میرزاوند، ۱۳۸۸ و سروش مهر، ۱۳۸۸). در این قبیل پژوهش‌ها علاوه بر ارائه بحث‌های نظری پیرامون توانمندسازی، با تمرکز بر یک یا چند مورد از مسائل مبتلا به زندگی زنان سرپرست خانوار، سعی در ارائه راهکارهایی در جهت توانمندسازی آنان در راستای فائق آمدن بر مسائل مذکور شده است.

### مبانی نظری

هر چند اجماع کاملی بر سر تعریف توانمندسازی در بین محققینی که به این حوزه ورود

1. Garba
2. Charmes & Wieringa
3. Beteta

پیدا کرده‌اند مشاهده نمی‌شود، اما به‌طور کلی کلید واژه‌هایی همچون: حق انتخاب، امکان انتخاب (گزینه‌گری)، کنترل و قدرت و دیگر مفاهیم نزدیک به موارد مذکور به تناوب در تعاریف موجود از توانمندسازی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. چنین واژگانی در بیشتر موارد ناظر بر بهره‌مندی زنان از توانایی لازم برای اخذ تصمیمات اثربخش و دارای اهمیت برای خود و خانواده‌هایشان است (مالوتره، بوندر و شولر ۱۳۸۹: ۱۵۷).

عبارت «توانمندسازی» در نگاه نخست به این معنا ارجاع دارد که فردی فاقد قدرت، به آن دست یابد (کوینوفروم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱: ۱۴). بنابراین در ارتباط با فرآیند توانمندسازی و یا توانمندی به‌مثابه دستاورد، موضعی که نسبت به مفهوم قدرت اتخاذ می‌شود حائز اهمیت است.

اغلب مدل‌های مورد بررسی یا مستقیماً با هدف توانمندسازی زنان ارائه شده‌اند و یا زنان را به ویژه زمانی که در موقعیت یک گروه یا قشر اجتماعی آسیب‌پذیر و یا فاقد قدرت نگریسته شوند، می‌توان به عنوان یکی از مصادیق این نظریات لحاظ نمود.

### مدل توانمندسازی سارا لانگه<sup>۲</sup>:

یکی از مدل‌های نسبتاً مطرح در زمینه توانمندسازی زنان، مدل سارا لانگه (۱۹۹۱) است. لانگه ضمن تأکید بر این ایده که برابری (جنسیتی) می‌بایست موضوع کانونی هرگونه برنامه توسعه‌ای پیرامون مسائل زنان باشد، به‌بخش زیادی از ادبیات نظری موجود در حوزه توسعه این نقد را وارد می‌سازد که اغلب آن‌ها برابری را با توجه به تقسیم‌بندی‌های رایج از بخش‌های مختلف اقتصاد و جامعه همچون تحصیلات، استخدام، موازین قانونی و مانند این‌ها تعریف می‌کنند. به‌عقیده لانگه این شیوه تحلیلی با تمرکز بیش از حد بر شاخص‌های مختلفی که بعضاً معرف جنبه‌های محدودی از کل حیات اجتماعی هستند، نگاه‌ها را از نقش مهم برابری بیشتر زنان و مردان در پیشبرد فرآیند توسعه باز می‌دارد. بر این اساس وی مدل مفهومی پنج سطحی را ارائه می‌نماید که می‌تواند مبنایی برای سنجش سطح توسعه‌یافتگی زنان در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی باشد. پنج سطح مورد نظر عبارتند از: رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل (لانگه، ۱۹۹۱: ۱۵۰-۱۵۱).

---

1.Kvinnofroum

2.Longwe

### نظریه لین بنت<sup>۱</sup>: الگویی برای تلفیق توانمندسازی و ادغام اجتماعی

بنت نظریه نسبتاً فراگیری را در باب تغییر اجتماعی با هدف فقرزدایی پایدار ارائه نموده است. نقطه قوت این نظریه تلاشی است که در آن تلفیق فرآیندهای اصطلاحاً از پائین به بالا (توانمندسازی) و از بالا به پائین (ادغام اجتماعی) در الگوپردازی پیرامون توسعه پایدار اجتماعی صورت گرفته است. این نظریه به طور خاص بر فرآیندهای به هم پیوسته‌ای تمرکز دارد که در قالب آن‌ها توانمندسازی و ادغام اجتماعی به طور توأمان به عنوان ابزارهایی جهت تغییر روابط قدرت موجود در جامعه و نیز ایجاد تغییرات لازم در سازمان-های مقدم آن‌ها عمل می‌کنند به نحوی که نتیجه حاصل، دستیابی به برابری بیشتر در جامعه باشد (بنت، ۲۰۰۲: ۳).

به عقیده بنت توانمندسازی معرف رویکردهای مبتنی بر بسیج اجتماعی است. یکی از عناصر کلیدی در بیشتر این رویکردها کمک به فقراء و افراد طرد شده برای به فعلیت رساندن قدرت حاصل از عمل جمعی آن‌ها است. در اغلب موارد رویکردهای مذکور از پائین به بالا و با هدف رساندن صدا و تقاضای گروه‌های متنوعی از فقرا و شهروندان مطرود (به لحاظ اجتماعی) عمل می‌کنند. در عین حال بسیج اجتماعی می‌تواند مشتمل بر ائتلاف‌هایی برای تغییر بین گروه‌های مطرود و شهروندان دارای وضعیت بهتر و نیز خواستار جامعه‌ای برابرتر و یا دارای دیگر علایق مشترک با طردشدگان باشد (همان: ۶).

ادغام اجتماعی مبتنی بر رویکرد مکملی است که در پی اصلاحات نهادی در سطوح مختلف و تغییر در خط‌مشی‌ها به منظور از میان بردن نابرابری‌ها در دسترسی به دارایی‌ها، ظرفیت‌ها و فرصت‌ها است. در عین این که ادغام اجتماعی به عنوان بعدی از فرآیند تغییر اجتماعی ممکن است در پاسخ به فشار برآمده از پائین به واسطه توانمند شدن (گروه‌های فقیر و یا مطرود اجتماعی) رخ دهد، اما در اغلب موارد از مواضع معینی در چارچوب نهادینه قدرت موجود نیز برانگیخته می‌شود (همان: ۷).

### توانمندی از دیدگاه آمارتیا سن: آزادی در انتخاب چگونه زیستن

علی‌رغم این که می‌بایست بین برداشت از فقر به عنوان کاستی در توانمندی‌ها و برداشت رقیب آن که فقر را در کمبود درآمد تعریف می‌نماید تمایز قائل شد، اما نباید از یاد برد که این دو ارتباطی دو سویه با یکدیگر دارند. از یک سو درآمد ابزاری مهم در کسب توانمندی است و از سوی دیگر افزایش توانمندی در عرصه‌های غیردرآمدی، افزایش در

بهره‌وری درآمدی و حتی به‌طور مستقیم‌تر افزایش میزان مطلق درآمد را نتیجه می‌دهد. با این تفاوت که در حالت دوم رونق در وضعیت درآمدی با ارتقای دیگر شاخص‌های کمی و کیفی در زمینه توانمندی همراه و همزاد است. در حالی که در حالت اول نقش ابزاری توصیف شده برای درآمد کاملاً مشروط است. به عبارت دیگر لزوماً نمی‌توان افزایش در درآمد را به منزله ارتقای سطح توانمندی افراد در نظر گرفت و یا آن را مقدمه‌ای بر فرآیندی دانست که به خودی خود موأخرات مورد نظر را نتیجه دهد (سن، ۱۳۸۹: ۲۰۸-۲۱۱).

برای فهم توصیفی که سن از توانمندی ارائه می‌دهد، نخست باید مفهوم «عملکرد» را در ادبیات وی دنبال کرد. به عقیده وی عملکردها نشان‌دهنده چیزهایی است که انجام آن‌ها یا دستیابی به آن‌ها برای فرد ارزشمند است. عملکردها از مقولات فراگیر و اولیه‌ای همچون تغذیه کافی و سلامت جسمی تا فعالیت‌ها و مطلوبیت‌های پیچیده‌ای همچون مشارکت اجتماعی و برخورداری از احترام را شامل می‌شود. بر این اساس توانمندی هر فرد عبارت خواهد بود از «امکان انتخاب بین ترکیب‌های مختلفی از عملکردها» (سن، ۱۳۸۹: ۱۹۱). در این تعریف توانمندی نه صرفاً داشتن و دسترسی به سطوح بالایی از برخورداری‌های مختلف بلکه در بهره‌مندی از آزادی انتخاب بین عملکردهای مختلف در حوزه‌های گوناگون زندگی است که در کنار هم شیوه مطلوب زندگی از دیدگاه فرد را به تصویر می‌کشند، تصویری که در شکل‌گیری آن آگاهی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

#### نایلا کبیر<sup>۱</sup>: نگرش سه وجهی به توانمندسازی

به عقیده کبیر (۱۳۸۹) مفهوم قدرت رابطه تنگاتنگی با توانایی و گزینش دارد. به عبارت دیگر توانمندسازی گسترش توانایی افراد برای اتخاذ تصمیمات کلان و راهبردی در زندگی و زمینه‌هایی است که پیش‌تر این توانایی از آن‌ها دریغ شده است. کبیر در تعریف مفهوم توانمندی از سه گانه «عاملیت»، «منابع» و «دستاوردها» بهره می‌گیرد. «منابع» به وجود آورنده شرایطی هستند که انتخاب تحت‌تأثیر آن اتفاق می‌افتد. «عاملیت» در واقع نمایانگر اصلی و به نوعی کانون فرآیند گزینش است و بالاخره «دستاوردها» معرف نتایج برآمده از انتخاب‌های مختلف هستند (کبیر، ۱۳۸۹: ۱۵ و کبیر، ۲۰۰۳: ۱۷۱).

ابعاد سه گانه توانمندی در نظریه کبیر با یکدیگر روابطی متقابل دارند. به طوری که تغییر در هر یک از آن‌ها می‌تواند هدایتگر تغییرات در ابعاد دیگر باشد. آن‌چه که در یک



دوره به عنوان دستاورد حاصل از جریان‌یابی عاملیت آشکار شده است، در مقطعی دیگر می‌تواند در حکم منابع لازم برای جریان‌یابی مجدد عاملیت و حصول دستاوردهای بیشتر عمل کند. عکس این حالت نیز صادق است یعنی کاستی در بروز و ظهور هر یک از این سه می‌تواند مانع از تحقق شایسته ابعاد دیگر بشود (کبیر، ۲۰۰۳: ۱۷۵).

به‌اعتقاد کبیر «بسیاری از منابع، مصادیق عاملیت و دستاوردهایی که مشخصه ادبیات توانمندسازی است، هم‌پوشانی قابل توجهی با تعدادی از شاخص‌های شناخته شده برنامه‌های توسعه‌ای دارد. مانند برابری در دسترسی به بهداشت، آموزش، وام و اعتبار، زمین و مالکیت، فرصت‌های معاش و اشتغال و غیره. در عین حال هر چند تکیه بر شاخص‌ها و مطلوبیت‌های فوق‌الذکر امکان سنجش را برای محققین تسهیل می‌نماید، اما تنها در صورتی می‌توان نقش‌آفرینی و ارتباط آن‌ها با توانمندی را مورد تأیید قرار داد که به نحوی از انحاء مشخص گردد هر یک از آن‌ها در یک زمینه اجتماعی و فرهنگی معین چگونه و تا چه حد به زنان یا هر گروه هدف دیگری این امکان را می‌بخشد که دست به انتخاب‌های خاص خودشان بزنند» (کبیر، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۹).

بنابراین به‌طور خلاصه نگرش سه وجهی به مقوله توانمندسازی، تا حد زیادی این اطمینان را فراهم می‌آورد که شاخص‌هایی که در زمینه‌ی سنجش توانمندی به کار می‌روند معنای معتبری داشته باشند. در غیر این صورت می‌توان انتظار داشت که دخالت عوامل بیرونی همچون علایق و گرایش‌های پژوهشگر و یا فضای سیاسی فرهنگی و اجتماعی حاکم بر میدان تحقیق مانع از به تصویر کشیده شدن واقعیت، آن‌گونه که هست، بشوند (همان: ۴۸).

### جمع بندی: زنان و توانمندسازی

انتظار می‌رود اغلب مطالعات، برنامه‌ریزی‌ها و اقداماتی که در زمینه توانمندسازی و یا هر هدف اجتماعی دیگر با محوریت زنان صورت می‌پذیرد با دو مسأله دشوار روبه‌رو شوند. اول این‌که زن بودن قاعدتاً در طول دیگر عوامل مسأله‌ساز همچون فقر، معلولیت، بیماری‌های صعب‌العلاج، قومیت، نژاد، مذهب و غیره تعریف می‌شود. به‌عبارت دیگر زمانی که زن بودن به‌عنوان متغیر تمایزبخش مدنظر قرار گرفته باشد، گروه مورد مطالعه مشتمل بر افرادی خواهد بود که به‌احتمال زیاد تحت‌تأثیر عوامل آسیب‌زای دیگری نیز قرار دارند. دوم این‌که زن بودن ترکیبی پیچیده از پیوندهای ضعیف و قوی بین جنبه‌های بیولوژیک و تعریف‌های ارائه شده برای نقش‌های بنیادین اجتماعی (مانند نقش مادری، همسری و فرزندی) است که عمدتاً در بستر نهاد خانواده تجلی می‌یابد. به‌عبارت

دیگر ویژگی‌های نهاد خانواده و عناصر ساختاری و فرهنگی مقوم این ویژگی‌ها است، که در هر نظام اجتماعی تعیین‌کننده تهدیدها و فرصت‌های متناظر با زن بودن به مثابه یک موقعیت اجتماعی است (مالوتره، بوندر و شولر ۱۳۸۹: ۱۵۶).

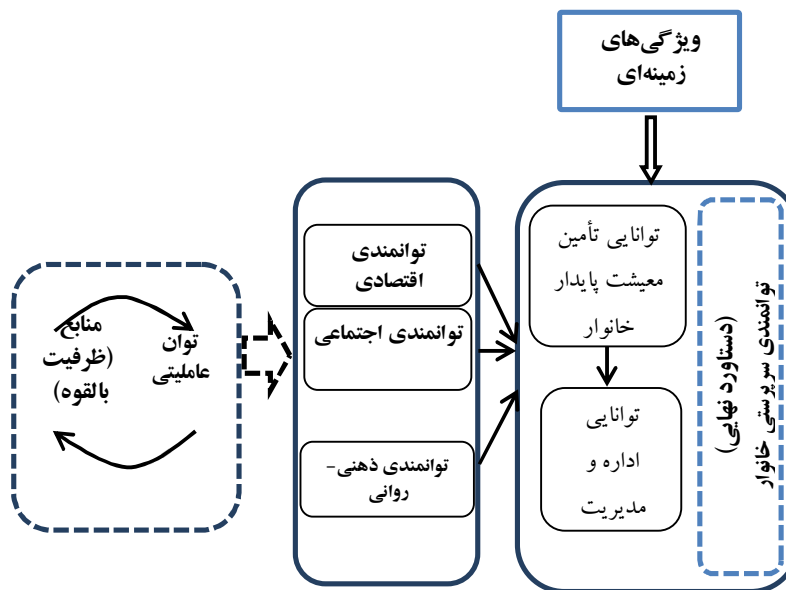
تکیه گاه اصلی در چارچوب نظری تحقیق حاضر نظریه توانمندسازی نایلا کبیر است. برای این موضوع دو دلیل عمده وجود دارد. نخست این که در بطن این نظریه، پیوندهای قوی با نظریات جامعه‌شناختی معاصر پیرامون اثرگذاری متقابل مقولات عاملیت و ساختار به‌ویژه نظریات آنتونی گیدنز برقرار است. این موضوع به خودی خود زاویه دید مناسبی در تحلیل موضوع مورد نظر از منظری جامعه‌شناختی به محقق می‌دهد. دومین نقطه قوت این نظریه مربوط به امکان کاربست آن در سطح خرد است که با توجه به ماهیت نمونه مورد بررسی در تحقیق حاضر این مسأله به‌پیشبرد روند تحقیق کمک شایان توجهی می‌نماید.

به طور کلی بسته به این که یک محقق و یا برنامه‌ریز و یا سیاست‌گذار اجتماعی مسأله خود را در چه سطحی (سطوح خرد، میانی و کلان) شناسایی و پیگیری نماید، عوامل موثر بر توانمندسازی، ابعاد مفروض آن و مفهوم‌پردازی‌های صورت گرفته پیرامون آن می‌تواند مشتمل بر تأکیدات متفاوتی باشد (مالوتره، بوندر و شولر ۱۳۸۹: ۱۷۱-۲۰۶). اما چه آن زمان که با تکیه بر ساختارهای پهن دامنه و ریشه‌داری چون نابرابری‌های جنسیتی و مناسبات طبقاتی به مقوله قدرت و فرآیند قدرت‌بخشی به عاملان اجتماعی نظر افکنده می‌شود و چه هنگامی که عمده توجه، معطوف به مقوله‌های حد واسطی چون قواعد و منابع نهادی و تأثیرشان بر توانمندی است و چه آنگاه که تحلیل صورت گرفته از منظر عاملان اجتماعی و کنشگران فردی و در سطحی خرد پیش برده می‌شود، در هر حال حرکت محقق می‌بایست بر روی پیوستاری تعریف شود که پیوندها و اثرگذاری‌های متقابل بین این سطوح را نمایان سازد. در این صورت می‌توان انتظار داشت به درکی منسجم از مقوله‌ی قدرت و فرآیند قدرت‌بخشی یا توانمندسازی رسید.

علاوه بر آن چه گفته شد، نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد توجه به تفاوت مطالعه توانمندی به‌عنوان بررسی وضع موجود و مطالعه توانمندسازی به‌عنوان بررسی میزان تغییر و تحول بر اساس مواجه شدن با تجربه یا شرایط معین است. به معنای آماری، ضرورت دارد محقق مشخص سازد که آیا هدف وی اندازه‌گیری و توصیف سطح توانمندی به‌عنوان یک شاخص توصیفی است، یا به‌دنبال بررسی رابطه توانمندی با متغیرهای دیگری است؟ در این حالت نیز باید مشخص شود توانمندی قرار است در مقام عامل اثرگذار مورد بررسی قرار گیرد (مستقل) و یا عامل اثرپذیر (وابسته).

یکی از اهداف مطالعات اکتشافی تحقیق حاضر شناسایی دقیق متغیر وابسته یا همان مظهر اصلی توانمندی زنان سرپرست خانوار بوده است. بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته و مشاهدات انجام شده، هدف از توانمندسازی جامعه مورد نظر "تقویت توانایی زنان سرپرست خانوار در زمینه تأمین معیشت پایدار برای خود و افراد تحت پوشش‌شان" و به دنبال آن "ارتقاء توانایی ایشان در اداره و مدیریت خانواده" بوده است که در کنار هم معرف "توانمندی برای سرپرستی خانوار" است. در واقع شاخص مذکور معرف دستاورد اصلی متصور برای افراد مورد مطالعه در فرایند توانمندسازی بوده است. از سوی دیگر در مقام شناسایی عوامل مؤثر بر متغیر وابسته (توانمندی سرپرستی خانوار)، علاوه بر ویژگی‌های زمینه‌ای، توانمندی فرد در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و ذهنی- روانی مورد توجه قرار گرفته است. در عملیاتی کردن و سنجش هر یک از این ابعاد ترکیبی از توان عاملیتی فرد و منابع متناظر با آن در بُعد مورد نظر مبنای کار قرار گرفته است. بر این اساس و با توجه به مبانی نظری تحقیق، می‌توان مدل زیر را ارائه نمود:

شکل شماره ۱. مدل نظری تحقیق



بنابراین فرضیه اصلی تحقیق بدین شرح قابل طرح است: بین توانمندی‌های اقتصادی، اجتماعی و ذهنی- روانی با توانمندی سرپرستی خانوار رابطه وجود دارد. فرضیات فرعی مورد بررسی در تحقیق حاضر نیز به قرار زیر است:

- بین "توانمندی اجتماعی"، "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" رابطه وجود دارد.
- بین "توانمندی ذهنی- روانی"، "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" رابطه وجود دارد.
- بین "توانمندی اقتصادی"، "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" رابطه وجود دارد.
- بین "ویژگی‌های زمینه‌ای"، "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" رابطه وجود دارد.
- بین "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" رابطه وجود دارد.

### معرفی روش تحقیق

در بررسی میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار و عوامل مؤثر بر سطح توانمندی این افراد از تکنیک پیمایش استفاده شده است. علاوه بر این در مطالعات اکتشافی تحقیق، از تکنیک‌های مطالعه اسنادی، مشاهده و مصاحبه بهره برده شده است.

برای سنجش پذیر نمودن مقوله‌های مندرج در مدل تحقیق به عنوان معرف‌های مرتبه نخست، معرف‌هایی در مرتبه‌های دوم تا چهارم مورد توجه قرار گرفته است که در جدول شماره (۱) موارد اول تا سوم آن آورده شده است. لازم به ذکر است معرف‌های مرتبه چهارم گویه‌های وارد شده به پرسش‌نامه بوده‌اند.

برای متغیر وابسته تحقیق نیز به ترتیب مشابهی معرف‌هایی در چهار سطح مورد توجه بوده است که در جدول شماره (۲) موارد اول تا سوم آن آورده شده است.

به منظور تکمیل فرایند تعریف عملیاتی متغیرهای فوق در مواردی همچون عزت نفس، سلامت روان و انگیزه پیشرفت از پرسش‌نامه‌های استاندارد موجود بهره برده شد. در سایر موارد گویه‌های مورد نظر برای عملیاتی ساختن متغیرها با توجه به منابع نظری و تعاریف موجود و نیز با مراجعه به تحقیقات پیشین طراحی و تدوین شده است. با توجه به حجم زیاد معرف‌های مرتبه چهارم یا همان گویه‌های وارد شده به پرسش‌نامه (۱۳۰ مورد)

جدول شماره ۱. متغیرهای مستقل تحقیق

معرفها			معرفها				
مرتبۀ سوم	مرتبۀ دوم	مرتبۀ اول	مرتبۀ سوم	مرتبۀ دوم	مرتبۀ اول		
مهارت‌های فنی و حرفه‌ای	شرایط اقتصادی و رفاهی	توانمندی اقتصادی	روابط خانوادگی و خویشاوندی	روابط اجتماعی و عضویت شبکه‌ای	توانمندی اجتماعی		
وضعیت شغلی و درآمدی			روابط همسایگی				
کیفیت مسکن			روابط دوستی				
امکانات رفاهی			عضویت گروهی				
دسترسی به سازمان‌ها و مؤسسات محلی	دسترسی‌ها		مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی			
دسترسی به منابع مالی و فرصت‌های شغلی			اعتماد بین شخصی				
دسترسی به امکانات ارتباطی، آموزشی، تفریحی، بهداشتی و درمانی			اعتماد نهادی				
کاستی در سلامت جسمی			اعتماد تعمیم یافته				
	موانع پیش رو		ویژگی‌های زمینه‌ای	احساس انزوا		موانع پیش رو	توانمندی ذهن-روانی
	سن			توانایی تصمیم‌گیری		هنجارهای درونی شده	
	بعد خانوار	عزت نفس					
	مدت سرپرستی و وضعیت تأهل	اعتماد به نفس					
			خودمختاری	دانش‌ها و مهارت‌ها			
			انگیزه پیشرفت				
			تحصیلات				
			آگاهی‌های عمومی				
			آگاهی نسبت به حقوق شهروندی				
			مهارت ارتباطی				
			کاستی در سلامت روانی	موانع پیش رو			
مواجهه با خشونت							

جدول شماره ۲. متغیر وابسته و مرتبه‌های سه‌گانه آن

معرف‌ها		
مرتبه اول	مرتبه دوم	مرتبه سوم
توانایی سرپرستی خانوار	توانایی اداره و مدیریت خانوار	برخورداری از منزلت سرپرستی
		برخورداری از اقتدار سرپرستی
		تنظیم روابط و حل اختلاف
		مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها
		مرجعیت عاطفی - احساسی
	توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار	کنترل دخل و خرج
		تأمین هزینه‌های مسکن
		تأمین هزینه‌های تغذیه
		تأمین هزینه‌های عمومی (پوشاک، درمان، تحصیل، تفریح، حمل و نقل)
		نیاز به استقراض
	امکان استقراض	

که حلقه پایانی زنجیره تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق بوده‌اند، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌شود.

#### جمعیت و نمونه آماری

جمعیت آماری تحقیق حاضر شامل زنان سرپرست خانوار شاغل در مراکز مهارت آموزی و اشتغال کوثر وابسته به ستاد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار شهرداری تهران بوده است. تعداد این افراد در حین انجام تحقیق (نیمه سال ۱۳۹۱) مطابق آمارهای موجود ۸۲۴ نفر بوده است.

هنگام تصمیم‌گیری درباره حجم مناسب نمونه، باید سطح اطمینان مطلوب و خطای نمونه‌گیری مجاز را مورد توجه قرار داد. برای محاسبه اندازه نمونه مورد نیاز فرمول‌هایی وجود دارد که بر مبنای در دست داشتن سطح اطمینان و خطای نمونه‌گیری قابل قبول، حجم جامعه و یک شاخص برآوردی معین از جامعه آماری (مثلاً انحراف معیار برآورد شده برای یکی از متغیرهای اصلی تحقیق) عمل می‌کنند. در تحقیق حاضر از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد:

$n =$

که در آن  $n$  حجم نمونه،  $N$  حجم جمعیت آماری،  $t$  سطح اطمینان مورد نظر،  $d$  خطای نمونه‌گیری و  $S$  انحراف معیار برآورده شده برای متغیر مورد نظر در جمعیت آماری است. با حجم جمعیتی برابر با ۸۲۴ نفر، و با در نظر داشتن سطح اطمینانی مساوی با ۱/۹۶ و بر مبنای انحراف معیار متغیرهای وابسته تحقیق که در طول پیشرفت نمونه‌گیری به‌طور متناوب محاسبه می‌شده است، اخذ نمونه تا تحقق خطای برآورد میانگین معادل ۱/۵ برای متغیرهای مذکور ادامه یافت. بر این اساس نهایتاً تعداد ۳۲۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند (جدول ۳).

جدول شماره ۳. مراحل اخذ نمونه توسط فرمول کوکران

خطای برآورد میانگین متغیر اداره و سرپرستی (d)	خطای برآورد میانگین متغیر تأمین معیشت (d)	انحراف معیار متغیر اداره و سرپرستی (S)	انحراف معیار متغیر تأمین معیشت (S)	فراوانی تجمعی نمونه اخذ شده (n)	مرحله نمونه‌گیری
۲/۹۷۰	۱/۸۲۲	۱۰/۰۵۵	۱۰/۵۰۶	۵۰	۱
۲/۰۱۹	۱/۹۵۵	۱۰/۹۹۱	۱۰/۶۳۹	۱۰۰	۲
۱/۵۹۵	۱/۴۹۶	۱۱/۰۲۳	۱۰/۳۳۲	۱۵۰	۳
۱/۴۱۵	۱/۳۵۰	۱۱/۷۳۰	۱۱/۱۹۱	۲۰۰	۴
۱/۲۸۷	۱/۲۲۲	۱۲/۴۳۵	۱۱/۸۱۴	۲۵۰	۵
۱/۱۲۸	۱/۰۹۶	۱۲/۵۰۲	۱۲/۱۵۳	۳۰۰	۶
۱/۰۹۰	۱/۰۴۳	۱۲/۸۵۸	۱۲/۳۰۳	۳۲۴	۷

با توجه به پراکندگی مراکز کوثر در سطح مناطق مختلف شهر تهران و به‌منظور اخذ نمونه‌ای تا حد امکان تصادفی از جمعیت آماری، روش نمونه‌گیری مورد استفاده، بدین طریق بوده است که پس از تعیین حجم نمونه، ابتدا از بین لیست مراکز کوثر به صورت تصادفی یک مرکز انتخاب و پس از مراجعه به آن از تمامی شاغلان دارای ویژگی‌های مورد نظر برای جامعه آماری، نمونه‌گیری به عمل آمده است. این فرایند تا تحقق حجم نمونه مورد نظر ادامه یافت. لازم به ذکر است تکمیل پرسش‌نامه تحقیق با کمک پنج پرسش‌گر همکار، صورت گرفت.

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات

با توجه به این‌که در این تحقیق عمده متغیرها در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته اند، از تحلیل همبستگی برای آزمون فرضیات و از روش‌های چند متغیره تحلیل عاملی، تحلیل خوشه و رگرسیون ترتیبی برای بررسی و تفسیر نهایی تغییرات متغیرهای وابسته بر اساس متغیرهای مستقل مورد نظر بهره گرفته شد.

### قابلیت اعتماد و اعتبار

برای تأیید اعتبار صوری پرسش‌نامه، ضمن بهره‌گیری از کتب و منابع معتبر موجود در طراحی آن، طرح اولیه پس از تنظیم، توسط تنی چند از اساتید متخصص و کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهاد شده، پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. همچنین با در نظر داشتن شاخص توصیه شده توسط پالانت (۲۰۰۷) از آماره آلفای کرونباخ برای متغیرهایی با ده گویه و بیشتر و از همبستگی بین گویه‌ای برای کنترل و تأیید روایی متغیرهایی با کمتر از ده گویه استفاده شد. لازم به ذکر است در گزارش همبستگی بین گویه‌ای مقادیر بین ۰/۲ تا ۰/۴ به عنوان مقادیر بهینه در نظر گرفته می‌شوند (پالانت، ۲۰۰۷: ۷۰۶). همبستگی‌های بین گویه‌ای که با فاصله زیاد در بالا یا پایین این بازه قرار داشته باشند، قابل قبول نخواهد بود. نتایج حاصل عموماً بیانگر معتبر بودن شاخص‌های به کار گرفته شده است (جدول ۳).



جدول شماره ۴. ضریب همبستگی بین گویه‌ای و ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

نام متغیر	تعداد گویه در پرسش‌نامه نهایی	آلفای کرونباخ	گویه‌ای همبستگی بین	نام متغیر	تعداد گویه در پرسش‌نامه نهایی	آلفای کرونباخ	گویه‌ای همبستگی بین
آگاهی نسبت به حقوق شهروندی	۳	-	۰/۴۱۷	مواجهه با خشونت	۵	-	۰/۴۱۹
آگاهی‌های عمومی	۳	-	۰/۳۵۹	احساس طرد و انزوا	۵	-	۰/۴۰۵
مهارت‌های ارتباطی	۳	-	۰/۲۹۷	میل به پیشرفت	۷	-	۰/۲۸۰
مهارت‌های فنی	۳	-	۰/۳۶۷	اعتماد تعمیم‌یافته	۳	-	۰/۳۱۵
توانایی تصمیمگیری	۵	-	۰/۳۵۶	اعتماد نهادی	۴	-	۰/۴۲۴
خودمختاری	۴	-	۰/۳۷۸	اعتماد بین شخصی	۴	-	۰/۳۹۶
مشارکت اجتماعی	۳	-	۰/۳۷۳	روابط همسایگی	۴	-	۰/۳۱۵
اعتماد به نفس	۵	-	۰/۳۲۶	روابط خانوادگی و خویشاوندی	۴	-	۰/۴۰۲
مسئولیت‌پذیری	۴	-	۰/۳۳۰	روابط دوستی	۲	-	۰/۴۱۸
عزت نفس	۱۰	۰/۸۲۵	-	کاستی در سلامت روانی	۶	-	۰/۴۲۹
توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار	۱۵	۰/۸۴۷	-	کاستی در سلامت جسمی	۳	-	۰/۴۱۴
توانایی اداره و مدیریت خانوار (۱)	۱۶	۰/۸۹۵	-				
توانایی اداره و مدیریت خانوار (۲)	۱۲	۰/۹۱۴	-				

## یافته‌های توصیفی

به لحاظ شرایط سنی، بیشترین افراد در بازه ۳۶ تا ۴۵ سال و کمترین افراد در بازه ۵۶ سال و بالاتر به ترتیب با ۳۸/۹ و ۵/۲ درصد قرار داشته‌اند. ۷۴ پاسخگو معادل ۲۲/۸ درصد ۲۶ تا ۳۵ ساله، ۳۰/۲ درصد از ایشان ۴۶ تا ۵۵ ساله و ۲/۸ درصد نیز ۲۵ ساله و کمتر از آن بوده‌اند. بررسی مدت زمانی که از سرپرستی پاسخ‌گویان بر خانواده‌های‌شان می‌گذرد نشان دهنده قرار گرفتن ۳/۴ درصد ایشان در بازه کمتر از سه سال، ۱۴/۵ درصد در بازه سه تا شش سال، ۳۰/۲ درصد در بازه شش تا نه سال، ۳۴/۹ درصد در بازه نه تا دوازده سال و نهایتاً ۱۷ درصد آن‌ها در بازه دوازده سال و بیشتر از آن قرار داشته‌اند. از نظر وضعیت تأهل ۲۳/۸ درصد از پاسخ‌گویان مجرد، ۴۲/۹ درصد دارای همسر، ۱۰/۸ درصد بیوه (همسر فوت شده) و ۲۲/۵ درصد مطلقه بوده‌اند. در مورد بعد خانوار نیز یافته‌ها حکایت از خود-سرپرستی (یعنی بعد خانوار برابر با یک) ۹۹ نفر معادل ۳۰/۶ درصد از پاسخ‌گویان بوده است. بالاترین فراوانی‌ها در این شاخص مربوط به خانوارهای سه و چهار نفره به ترتیب با ۲۴/۴ درصد و ۲۳/۸ درصد و پایین‌ترین مقادیر مربوط به خانوارهای شش و هفت نفره به ترتیب با ۰/۹ و ۱/۲ درصد بوده است. ۱۰/۲ درصد از خانوارها نیز دو نفره و ۹ درصد آن‌ها پنج نفره بوده‌اند. همچنین بررسی وضعیت تحصیلی پاسخ‌گویان حاکی از بوده است که ۱۸/۲ درصد از آن‌ها دارای سوادی در حد ابتدایی، ۳۰/۲ تا انتهای راهنمایی، ۴۲/۶ درصد در حد دبیرستان یا دیپلم، ۹/۴ فوق دیپلم و ۲/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی بوده‌اند. شش نفر معادل ۱/۹ درصد نیز بی‌سواد در بین پاسخ‌گویان قرار داشته‌اند.

## یافته‌های تحلیلی

برای بررسی فرضیه مربوط به روابط بین متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای وابسته تحقیق، از تحلیل همبستگی استفاده شده است. جدول شماره ۵ مشتمل بر ضرایب همبستگی بین متغیرهای زمینه‌ای و متغیرهای "توانایی تأمین معیشت پایدار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" است. همان‌طور که از داده‌های این جدول پیداست، بالاترین همبستگی مربوط به متغیر سن است که به ترتیب با ۰/۴۸۰- و ۰/۲۴۲- با متغیرهای "توانایی تأمین معیشت پایدار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" در ارتباط هستند. متغیر مدت سرپرستی نیز دارای همبستگی متوسطی برابر با ۰/۲۲۹ با متغیر "توانایی اداره و مدیریت خانوار" است.

جدول شماره ۵. ضرایب همبستگی بین متغیرهای زمینه ای و متغیرهای وابسته

مدت سرپرستی	بعد خانوار	سن	توانایی مدیریتی خانوار و مدیریتی اداره	توانایی معیشتی پایدار خانوار	
				۱	توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار
			۱	۰/۶۰۱**	توانایی اداره و مدیریت خانوار
		۱	-۰/۲۴۲**	-۰/۴۸۰**	سن
	۱	۰/۱۳۰*	۰/۰۴۷	-۰/۰۴۱	بعد خانوار
	۰/۰۰۲	۰/۲۵۴**	۰/۲۲۹**	۰/۰۹۴	مدت سرپرستی
* همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.					
** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.					

با توجه به تعداد نسبتاً زیاد متغیرهای مستقل مورد بررسی و نیز به منظور شناخت موثقت‌تر ساختار مکنون بین داده‌های برداشت شده از میدان تحقیق به جهت واریس دقیق‌تر روابط مفروض در مدل نظری تحقیق، ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی با مشارکت تمامی بیست و سه متغیر مورد بررسی به‌علاوه متغیرهای درآمد، سابقه کار و تحصیلات که بخشی از معرف‌های مهم بعد اقتصادی و سطح آگاهی‌های فردی بوده‌اند، صورت گرفت. نتایج آزمون‌های کی‌ام‌او و بارتلت که در جدول شماره ۶ ارائه شده است، بیانگر وضعیت مناسب تحلیل عاملی صورت گرفته هستند. مقادیر نزدیک به یک برای شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین و معناداری آماره مربع کای در آزمون کرویت بارتلت مؤید ادعای مذکور است.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون‌های کی‌ام‌او و بارتلت

۰/۸۸۴	شاخص کفایت نمونه‌گیری کیزر-میر-اولکین <sup>۱</sup>	
۳۷۶۶/۸۱۸	مربع کای	آزمون کرویت بارتلت <sup>۲</sup>
۳۷۸	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	معناداری	

1. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy
2. Bartlett's Test of Sphericity

جدول شماره ۷. عامل‌های استخراج شده بر اساس معیار کیزر (مقدار ویژه بالاتر از یک)

مؤلفه	مقدار اولیه استخراج شده	مقدار مربوط به ماتریس دوران یافته	مقدار ویژه	واریانس	تیبیین شده
۱	۸/۱۴۹	۲۹/۱۰۲	۳/۷۵۴	۱۳/۴۰۹	۱
۲	۲/۹۶۸	۱۰/۶۰۱	۳/۶۹۸	۱۳/۲۰۹	۲
۳	۱/۷۵۵	۶/۲۶۸	۲/۶۰۴	۹/۳۰۱	۳
۴	۱/۴۵۲	۵/۱۸۴	۲/۴۵۱	۸/۷۵۵	۴
۵	۱/۲۸۵	۴/۵۸۸	۲/۱۳۶	۷/۶۲۹	۵
۶	۱/۱۴۲	۴/۰۷۸	۲/۱۰۶	۷/۵۲۰	۶
جمع	-	۵۹/۸۲۲	-	۵۹/۸۲۲	

روش تحلیل عاملی مورد استفاده، تحلیل مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس بوده است. همچنین برای تعیین تعداد عوامل استخراج شده از معیار کیزر که مؤلفه‌هایی با مقادیر ویژه بالای یک را در نظر می‌گیرد، مورد استناد قرار گرفت. همان‌گونه که از جدول

جدول شماره ۸. ماتریس دوران یافته

متغیرها	مؤلفه‌ها			متغیرها	مؤلفه‌ها		
	۱	۲	۳		۴	۵	۶
توانایی تصمیم‌گیری	۰/۸۱۴			سابقه کار	۰/۶۸۰		
مسئولیت‌پذیری	۰/۷۴۸			خودمختاری	۰/۵۸۸		
کاستی در سلامت روان	-			کاستی در سلامت جسمی	-	۰/۵۴۰	
مواجهه با خشونت	-۰/۶۹۶			درآمد ماهیانه	۰/۵۳۸		
اعتماد به نفس	۰/۶۷۶			میل به پیشرفت	۰/۵۳۳		
عزت نفس	۰/۶۷۵			مهارت‌های فنی	۰/۵۳۰		
احساس طرد و انزوا	-۰/۷۹۴			وضعیت تحصیلی	۰/۷۸۷		

ادامه جدول در صفحه بعد

عوامل موثر بر توانمندی زنان...

اعتماد تعمیم یافته	۰/۷۳۲	آگاهی نسبت به حقوق شهروندی	۰/۷۸۴
مشارکت اجتماعی	۰/۷۰۱	آگاهی های عمومی	۰/۶۹۸
اعتماد بین شخصی	۰/۶۷۸	نمره امکانات رفاهی	۰/۷۷۶
اعتماد نهادی	۰/۶۶۲	نمره کیفیت مسکن	۰/۷۰۳
عضویت گروهی	۰/۶۳۹	دسترسی ها	۰/۷۰۲
مهارت های ارتباطی	۰/۷۳۷		
روابط همسایگی	۰/۷۲۴		
روابط دوستی	۰/۶۹۱		
روابط خانوادگی وخویشاوندی	۰/۵۶۰		

روش استخراج: تحلیل مؤلفه های اصلی  
روش دوران: واریماکس با نرمال سازی کیزر

شماره ۷ پیداست شش عامل که در مجموع ۵۹/۸ درصد از واریانس کل متغیرها را پوشش می داده اند، استخراج شده اند.

خروجی اصلی و مهم تحلیل عاملی ماتریس دوران یافته است که بر اساس آن می توان متغیرهای بار شده بر هر عامل و میزان بار عاملی آن ها را مشاهده و مبنای قضاوت های بعدی به ویژه نامگذاری عامل ها قرار داد.

با توجه به متغیرهای بار شده بر عامل های شش گانه نامگذاری مندرج در جدول شماره ۹ برای آن ها پیشنهاد می شود.

جدول شماره ۹. نامگذاری عوامل استخراج شده

عامل اول:	توانمندی ذهنی - بعد روانی
عامل دوم:	توانمندی اجتماعی - بعد مشارکتی
عامل سوم:	توانمندی اجتماعی - بعد ارتباطی
عامل چهارم:	توانمندی اقتصادی - بعد قابلیت
عامل پنجم:	توانمندی ذهنی - بعد دانشی
عامل ششم:	توانمندی اقتصادی - بعد زمینه ای

در راستای بررسی فرضیات تحقیق، نتایج بررسی میزان همبستگی بین عامل‌های استخراج شده و دو متغیر وابسته در جدول شماره ۱۰ آورده شده است. ضریب همبستگی پیرسون معادل ۰/۶۰۱ نشان دهنده همبستگی قوی متغیرهای "توانایی تأمین معیشت پایدارخانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" با یکدیگر است. در بین عامل‌های استخراج شده بالاترین همبستگی‌ها مربوط به عامل چهارم (توانمندی اقتصادی - بعد قابلیت) است که به ترتیب دارای همبستگی معادل ۰/۵۹۲ و ۰/۵۳۵ با "توانایی تأمین معیشت پایدارخانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" است. عامل‌های دوم، سوم، پنجم و ششم در مرتبه‌های بعدی به لحاظ شدت همبستگی با متغیر "توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار" قرار دارند. همچنین عامل‌های دوم و پنجم نیز دارای همبستگی متوسطی با متغیر "توانایی اداره و مدیریت خانوار" هستند.

همان‌گونه که پیشتر اشاره شد متغیر وابسته نهایی این تحقیق توانایی سرپرستی خانوار است که برای آن دو بعد اصلی شامل "توانایی تأمین معیشت پایدارخانوار" و "توانایی اداره و مدیریت خانوار" در نظر گرفته شده است.

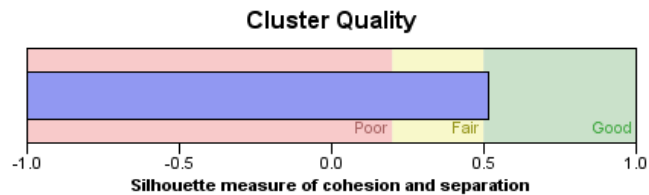
جدول شماره ۱۰. ضرایب همبستگی بین عامل‌ها و متغیرهای وابسته

توانایی تأمین معیشت پایدارخانوار	توانایی اداره و مدیریت خانوار
توانایی تأمین معیشت پایدارخانوار	۰/۶۰۱**
توانایی اداره و مدیریت خانوار	۰/۶۰۱**
توانمندی ذهنی - بعد روانی	۰/۰۹۱
توانمندی اجتماعی - بعد مشارکتی	۰/۳۱۳**
توانمندی اجتماعی - بعد ارتباطی	۰/۲۸۵**
توانمندی اقتصادی - بعد قابلیت	۰/۵۳۵**
توانمندی ذهنی - بعد دانشی	۰/۲۳۵**
توانمندی اقتصادی - بعد زمینه	۰/۱۸۰**

ای

\*\* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

برای یکپارچه سازی دو بعد فوق الذکر و ایجاد مقادیر متغیر وابسته نهایی تحقیق جهت ادامه روند تحلیل داده‌ها، با استفاده از تحلیل خوشه‌ای به روش دومرحله‌ای و بر اساس نمرات دو متغیر فوق الذکر، یک متغیر گروه‌بندی ایجاد شد که براساس آن پاسخ‌گویان در سه گروه با وضعیت "ضعیف"، "متوسط" و "قوی" تقسیم‌بندی شدند. شاخص مربوط به برازش تحلیل خوشه‌ای انجام شده که در شکل شماره ۲ آورده شده است معرف قدرت مکفی تحلیل خوشه‌ای صورت گرفته در قرار دادن صحیح موارد در گروه مربوط به آن‌ها است.



شکل شماره ۲. شاخص مربوط به برازش تحلیل خوشه‌ای

به منظور روشن شدن دقیق تر نتیجه حاصل از تحلیل خوشه‌ای آزمون تحلیل واریانس بین سه گروه مذکور به همراه آزمون شفه صورت گرفت که نتیجه حاصل تفاوت معنادار و نسبتاً زیاد بین میانگین نمرات در سه گروه مذکور است. محاسبات مربوط به این آزمون‌ها در جداول ۱۱، ۱۲ و ۱۳ آورده شده است.

جدول شماره ۱۱. تحلیل واریانس بین گروه‌های تحلیل خوشه

معناداری	F آماره	
۰/۰۰۰	۲۸۴/۴۵۴	توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار
۰/۰۰۰	۳۱۳/۱۷۸	توانایی اداره و مدیریت خانوار

جدول شماره ۱۲. معناداری اختلاف میانگین گروه‌های توانایی تأمین معیشت پایدار خانوار بر

اساس آزمون شفه

گروه‌ها	تعداد اعضا	معناداری اختلاف در سطح ۹۵ درصد		
		۱	۲	۳
۱	۵۷			
		۴۳/۱۳۴		
۲	۱۶۴	۵۶/۹۱۸		
۳	۹۸		۷۱/۷۴۱	

جدول شماره ۱۳. معناداری اختلاف میانگین گروه‌های توانایی اداره و مدیریت خانوار

گروه‌ها	تعداد اعضا	معناداری اختلاف در سطح ۹۵ درصد		
		۱	۲	۳
۱	۵۷	۵۴/۱۴۸		
۲	۱۶۴	۷۱/۷۲۸		
۳	۹۸	۸۵/۰۱۸		

در ادامه و به‌منظور بررسی اثر عامل‌های استخراج شده و نیز متغیرهای زمینه‌ای بر متغیر وابسته، از مدل رگرسیون ترتیبی بهره گرفته شد. رگرسیون ترتیبی زمانی کاربرد دارد که بررسی اثر چند متغیر مستقل فاصله‌ای و متغیرهای عامل ترتیبی یا اسمی بر متغیر وابسته ترتیبی مد نظر باشد. شرایط متغیرها در این تحقیق نیز چنین بوده است. اولین خروجی مورد بررسی مربوط به نتایج آزمون نسبت احتمال مدل نهایی تحقیق به مدلی مفروض است که در آن ضرایب تمام پارامترها وارد شده به‌مدل برابر صفر در نظر گرفته شده است. اگر آماره مربع کای که حاصل تفاضل نسبت درست‌نمایی بین دو مدل مذکور است در سطح خطای کمتر از پنج درصد معنادار باشد، که در مورد مدل این تحقیق نیز چنین است، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی مدل مناسبی است و متغیرهای مستقل از قدرت خوبی در تبیین تغییرات متغیر وابسته برخوردارند.

جدول شماره ۱۴. رگرسیون ترتیبی

مدل	نسبت درست‌نمایی	مربع کای	درجه آزادی	معناداری
مدل صفر	۶۰۲/۲۵۹			
مدل نهایی	۳۰۰/۸۴۹	۳۰۱/۴۰۹	۱۲	۰/۰۰

تابع پیوند: لوجیت

آزمون نیکوئی برازش که نتایج آن در جدول ۱۵ ارائه شده است شامل دو آماره است و هر دو به بررسی این فرض می‌پردازند که آیا مقادیر مربوط به مشاهدات با مدل برازش شده ناهم‌سازند یا نه؟ از این رو هر دو این موارد ماهیتی منفی دارند و چنانچه در سطح خطای بالاتر از ۵ درصد رد شوند می‌توان مدعی تناسب مقادیر مشاهده شده و پیش‌بینی شده متغیر وابسته و در نتیجه نیکوئی برازش مدل رگرسیونی شد.



جدول ۱۵. آزمون نیکوتی برازش مدل

معناداری	درجه آزادی	مربع کای	
۰/۹۹۴	۵۸۲	۴۹۹/۵۶۰	پیرسون <sup>۱</sup>
۱/۰۰۰	۵۸۲	۳۰۰/۸۴۹	انحراف <sup>۲</sup>

برای مشخص ساختن ضریب تعیین در رگرسیون ترتیبی معیار قطعی مشابه آنچه در رگرسیون خطی شاهد آن هستیم وجود ندارد، در عین حال معیارهای مختلفی بدین منظور معرفی شده است که سه مورد آن در قالب جدول (شماره ۱۶) ضریب تعیین پزودو در ادامه آورده شده است.

جدول شماره ۱۶. ضریب تعیین پزودو<sup>۳</sup>

۰/۶۳۶	کاکس و اسنل <sup>۴</sup>
۰/۷۳۴	نیجل کرک <sup>۵</sup>
۰/۵۰۰	مک فادن <sup>۶</sup>

بر اساس داده‌های مندرج در جدول ۱۶ می‌توان این طور گفت که مدل رگرسیونی ارائه شده بین ۵۰ تا ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نماید. پارامترهای مدل مطابق آنچه در جدول ۱۷ مشاهده می‌شود، شامل دو قسمت است بخش تری‌شولد که مقادیر مندرج در آن به لحاظ تفسیری، مشابه مقدار ثابت در مدل رگرسیون خطی است. به عبارت دیگر این مقادیر نشان می‌دهند که قبل از ورود متغیرهای مستقل و ابتدا به ساکن وضعیت متغیر وابسته چگونه است. در قسمت دوم جدول که لوکیشن نام دارد، تخمین‌های مربوط به متغیرهای وابسته و آماره های نظیر هر یک به علاوه سطح معناداری آماره ولد برای هر متغیر آورده شده است. معناداری این آماره در سطح خطای کمتر از ۵ درصد معرف قابل قبول بودن تخمین محاسبه شده است. این تخمین‌ها مشابه

- 1.Pearson
- 2.Deviance
- 3.Pseudo R-Square
- 4.Cox and Snell
- 5.Nagelkerke
- 6.McFadden

ضرایب بتا در رگرسیون خطی تفسیر می‌شوند. آن چنان که از جدول ۱۶ پیداست، همه متغیرهای مستقل وارده شده به مدل به جز "بیوه بودن" دارای ضرایب تخمین معنادار هستند.

در این بین بالاترین ضریب مربوط به عامل چهارم و کمترین آن مربوط به متغیر سن است. آزمون مهم دیگری که در تحلیل رگرسیون ترتیبی می‌بایست به آن توجه داشت، آزمون خطوط موازی است. این آزمون به واری این فرض می‌پردازد که آیا مقادیر تخمین زده شده مدل رگرسیونی در حرکت از یک طبقه به طبقات دیگر متغیر وابسته تغییر می‌کند یا نه؟ در صورتی که مانند مدل رگرسیونی این تحقیق معناداری آماره مربع کای مربوط به این آزمون با لحاظ سطح خطای قابل قبول کمتر از ۵ درصد رد شود، می‌توان این ادعا را مورد تأیید قرار داد که ضرایب تخمین زده شده در جابه‌جایی بین طبقات متغیر وابسته تغییر معناداری نمی‌کند.

جدول شماره ۱۷. تخمین پارامترها

تخمین	انحراف استاندارد	آماره والد	درجه آزادی	معناداری
[متغیر گروه‌بندی=۱]	۵/۸۱۰	۱/۰۸۸	۲۸/۵۱۴	۱
حد				۰/۰۰۰
[متغیر گروه‌بندی=۲]	۰/۳۱۸	۰/۹۶۳	۰/۱۰۹	۱
آستانه <sup>۱</sup>				۰/۷۴۲
سن	۰/۰۷۷	۰/۰۲۳	۱۱/۵۸۱	۱
مدت سرپرستی	۰/۱۳۳	۰/۰۵۳	۶/۲۱۲	۱
بعد خانوار	۰/۳۱۹	۰/۱۲۹	۶/۰۸۶	۱
توانمندی ذهنی- بعد روانی <sup>۲</sup>	۱/۰۸۵	۰/۱۷۶	۳۸/۲۱۹	۱
توانمندی اجتماعی- بعد مشارکتی	۰/۸۶۹	۰/۱۶۵	۲۷/۶۹۴	۱
توانمندی اجتماعی- بعد ارتباطی	۰/۸۱۳	۰/۱۵۹	۲۶/۱۶۷	۱

1.Threshold  
2.Location

عوامل موثر بر توانمندی زنان...

توانمندی اقتصادی - بعد قابلیت	۲/۱۰۲	۰/۲۴۰	۷۶/۷۷۰	۱	۰/۰۰۰
توانمندی ذهنی - بعد دانشی	۰/۹۹۷	۰/۱۷۲	۳۳/۴۳۰	۱	۰/۰۰۰
توانمندی اقتصادی - بعد زمینه ای	۰/۶۷۰	۰/۱۷۰	۱۵/۵۶۷	۱	۰/۰۰۰
مجرد بودن	۱/۱۵۸	۰/۴۹۳	۵/۵۱۱	۱	۰/۰۱۹
متأهل بودن	۱/۴۸۷	۰/۴۶۳	۱۰/۳۰۲	۱	۰/۰۰۱
بیوه بودن	۱/۱۲۷	۰/۵۸۲	۳/۷۴۸	۱	۰/۰۵۳
مطلقه بودن (طبقه مینا)	-	-	-	۰	-

جدول شماره ۱۸. آزمون خطوط موازی<sup>۱</sup>

مدل	نسبت درست‌نمایی	مربع کای	درجه آزادی	معناداری
مدل فرض صفر <sup>۲</sup>	۳۰۰/۸۴۹			
مدل عمومی	۲۸۶/۳۸۴	۱۴/۴۶۶	۱۲	۰/۲۷۲

بحث و نتیجه گیری

علی‌رغم این که مرور صورت گرفته بر مطالعات موجود نشان از پویایی حوزه مطالعات توانمندسازی زنان به لحاظ نظری و تجربی داشته، اما دو جریان کلی بر این مطالعات حاکم بوده است. از یک سو بخش زیادی از مطالعات این حوزه به‌ویژه مطالعات تجربی که در سطح خرد صورت گرفته‌اند، معطوف به بررسی شرایط، برنامه‌ها یا اقدامات مربوط به توانمندسازی زنان در جوامع روستایی کشورهای مختلف در حال توسعه بوده است. از سوی دیگر و البته در سطحی متفاوت بخش قابل توجهی از این مطالعات نیز به صورت مقایسه‌های کلان در سطح ملی و بین‌المللی جهت ارزیابی آن دسته از شاخص‌های توسعه که ناظر بر توانمندی زنان هستند، پیش برده شده است (اکسال<sup>۳</sup> و دیگران، ۱۹۹۷: ۳۲-).

1. Test of Parallel Lines

2. Null Hypothesis

3. Oxaal

۲۰ و آلسوپ<sup>۱</sup> و دیگران، ۲۰۰۵: ۸۲-۳۵). بنابراین به لحاظ مقایسه و ارزیابی نتایج تحقیق حاضر با مطالعات تجربی مرور شده در قسمت‌های قبلی می‌بایست دو نکته را مد نظر قرار داد. اول این که این تحقیق مطالعه‌ای در سطح خرد بوده است که با هدف بررسی عوامل مؤثر بر توانمندی زنان سرپرست خانوار شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران انجام شده است. دوم این که جامعه هدف این تحقیق در شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی ویژه‌ای قرار داشته‌اند که ناشی از زندگی آن‌ها در کلان شهری که همزمان پایتخت کشوری در حال توسعه بوده - و نه در مناطق روستایی دور افتاده و حاشیه‌ای - زندگی می‌کرده‌اند.

یافته‌های این تحقیق تأیید کننده ماهیت جامع و یک‌پارچه فرایند توانمندسازی آن‌گونه که در مطالعات مختلف مورد تأکید قرار گرفته است بود. به عبارت دیگر علی‌رغم الزامات روش شناختی که پاره پاره کردن مفاهیم توانمندی و توانمندسازی را برای امکان پذیری سنجش و ارزیابی آن ناگزیر می‌سازد اما همواره باید در نظر داشت که در شکل گیری توانمندی، جریانی دائمی از تبدیل منابع به دستاوردها و متقابلاً مبدل شدن دستاوردهای هر فرد به منابعی برای توانمندی وی در مراحل بعدی برقرار است (کبیر، ۱۳۸۹: ۴۷-۵۴؛ کبیر، ۲۰۰۳: ۱۷۰-۱۷۵). بنابراین در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌بایست تا حد امکان به سمت الگوها و روش‌هایی رفت که به ارائه مدل‌های گویا و در عین حال یک‌پارچه منتهی شوند. از این رو در تحقیق حاضر علاوه بر انجام تحلیل‌های همبستگی به منظور آزمون فرضیات تحقیق، به کمک روش‌های چند متغیره تلاش شد تا نهایتاً مدلی تا حد امکان منطبق بر توصیفات فوق ارائه شود.

به‌طور خلاصه بررسی‌های صورت گرفته نشان داد که در بین عوامل متنوع اثرگذار بر "توانمندی سرپرستی خانوار" در بین زنان مورد مطالعه بالاترین میزان تأثیر مربوط به بعدی از توانمندی اقتصادی بوده است که ناظر بر انگیزه پیشرفت، خودمختاری، برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی و نهایتاً سلامت جسمی است. اهمیت این عوامل به ویژه محوریت اشتغال و درآمدزایی بر توانمندسازی زنان در تحقیقات مختلفی نشان داده شده است (سروش مهر، ۱۳۸۸؛ رحیم<sup>۲</sup> و بولدن<sup>۳</sup>، ۱۹۹۵؛ کبیر، کبیر، محمود<sup>۴</sup> و تسنیم، ۲۰۱۱). پس از این عامل می‌توان بالاترین اثرگذاری را مربوط به

1. Alsop
2. Raheim
3. Bolden
4. Mahmud

عامل اول یعنی توانمندی روانی افراد دانست. این عامل ویژگی‌های روانی مهمی همچون عزت نفس، اعتماد به نفس، توانایی تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و سلامت روانی را نمایندگی می‌کند. در بین تحقیقات مرور شده موارد متعددی بوده اند که اثرگذاری و اهمیت این موارد بر توانمندی زنان را مورد تأیید قرار داده‌اند (جمال نیک، ۱۳۸۸؛ اکسال و بادن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷).

یکی از نتایج جالب توجه این تحقیق تفاوت قابل تأمل بین متغیر وضعیت تأهل و سطح توانمندی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در شرایط مشابه زنان مطلقه و با اندکی فاصله زنان بیوه نسبت به زنان مجرد و یا دارای همسر نمرات بالاتری را در شاخص‌های مورد بررسی کسب کرده‌اند. بیان علت دقیق این موضوع مستلزم بررسی و تحقیق بیشتر است اما اجمالا می‌توان این فرض را مطرح کرد که شرایط متفاوتی که به لحاظ روابط قدرت و تعاملات بین جنسیتی در مناسبات خانوادگی و اجتماعی این گروه‌ها حکم‌فرما است می‌تواند بر موضوع فوق اثرگذار باشد.

#### منابع

- برناردز، جان (۱۳۹۰)، *درآمدی به مطالعات خانواده*، ترجمه حسین قاضیان، تهران: نشر نی.
- تقی‌زاده حمید (۱۳۸۵)، "بررسی شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار استان تهران، منطقه شهرری (نگرش سنجی از زنان سرپرست خانوار)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- جمال نیک، مریم (۱۳۸۸)، اثربخشی آموزش گروهی با الگوی بک بر جرأت‌ورزی زنان سرپرست خانوار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی چمبرز رابرت (۱۳۸۷)، *توسعه روستایی: اولویت بخشی به فقرا (حمایت از اقشار آسیب‌پذیر)*، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خیری خامنه، بهناز (۱۳۸۸)، *بررسی نگرش زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر شیراز نسبت به ازدواج موقت*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز.
- دورودی‌یان، معصومه (۱۳۸۸)، *بررسی مقایسه‌ای کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار عضو گروه همیار و زنان غیر عضو بهزیستی استان تهران*، دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی
- رضایی فاطمه (۱۳۸۰)، "بررسی مشکلات اقتصادی اجتماعی خانواده‌های زن سرپرست تحت پوشش بهزیستی شهرستان خمین"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی

روباتام شیلا (۱۳۸۵)، *زنان در تکاپو، فمینیسم و کنش اجتماعی*، ترجمه حشمت ا... صباغی، چاپ اول، تهران: نشر شیرازه.

رودگر نرگس (۱۳۸۸)، *فمینیسم: نظریات، گرایش‌ها، نقد*، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ساروخانی باقر (۱۳۸۸)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ یازدهم، تهران: سروش. ساروخانی باقر، محمودی یسری (۱۳۸۷)، بازتولید نابرابری جنسیتی در خانواده: مطالعه تطبیقی زنان شاغل و خانه‌دار شهر ایلام، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، شماره ۱: ۴۷-۶۱. سروش مهر، هما (۱۳۸۸)، "بررسی شاخص‌ها و راهکارهای توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی شهرستان همدان"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، چاپ اول، تهران: انتشارات داستان.

شادی طلب، ژاله- گزایی نژاد، علی رضا (۱۳۸۳)، فقر زنان سرپرست خانوار، *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، شماره ۸، ۴۹-۷۰.

شکاری الاق، رقیه (۱۳۸۴)، "مطالعه وضعیت رفاهی زنان سرپرست خانوار (مورد شهر تهران)"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس

علیزاده گرجی، آزاده (۱۳۸۶)، *بررسی عوامل جمعیتی و اجتماعی موثر بر فقر مادی با رویکرد جنسیتی: فقر و جنسیت*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد. فاتحی، آرزو (۱۳۸۷)، *مطالعه تاثیر گروه‌های همیار در بهبود زندگی زنان سرپرست خانوار*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

فیروزآبادی سیداحمد، صادقی علیرضا (۱۳۸۹)، وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی، *بررسی مسایل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)*، شماره اول: ۱۴۳-۱۷۴.

کبیر نایلا (۱۳۸۹)، *تأملی در سنجش قدرت‌مندشدن زنان: منابع، عاملیت، دستاوردها*، ترجمه فاطمه صادقی، مقاله مندرج در کتاب توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه، ترجمه اعظم خاتم و دیگران، تهران: نشر آگه.

کوئنبروس (۱۳۸۸)، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت، چاپ بیست و دوم.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، مترجم: حسن چاوشیان، نشر نی. مالوتره آنجو، بوندر کارول، شولر سیدنی روث (۱۳۸۹)، سنجش توانمندی زنان به عنوان یک متغیر در توسعه بین‌المللی، ترجمه هما مداح و فاطمه محمدی، مقاله مندرج در کتاب *توانمندی زنان: نقدی بر رویکردهای رایج توسعه*، ترجمه اعظم خاتم و دیگران، تهران: نشر آگه.

محمدی، بهلول (۱۳۸۶)، "بررسی عوامل بازدارنده موثر بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهرستان قزوین"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

میرزاوند، فرزانه (۱۳۸۸)، "شناخت تأثیر مهاجرت مردان بر وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان سرپرست خانوار (خانواده‌های کارگران مهاجر) و توانمندسازی آن‌ها"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

میرزایی، عزت اله (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه خدمات ارائه شده از سوی کمیته امداد امام خمینی (ره) و کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش: مطالعه موردی زنان سرپرست خانوار کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان جهرم"، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه شیراز.

میشل، آندره (۱۳۷۶) *پیکار با تبعیض جنسی (پاکسازی کتاب، خانه، مدرسه و جامعه از کلیشه‌های تبعیض جنسی)*، محمد جعفر پوپنده؛ تهران: نگاه، چاپ اول.

نصیری ماهینی، زینب (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان رضایت از زندگی زنان سرپرست خانوار*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

بختیاری آمنه و محبی سیده فاطمه (۱۳۸۵)، حکومت و زنان سرپرست خانوار برگرفته از:

<http://www.iranpress.ir/iranwomen/template1/News.aspx?NID=1600>.

مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۵)، زنان سرپرست خانوار، (تاریخ انتشار ۸۵/۱۰/۲۴)

<http://www.maslehat.ir/Contents.aspx?p=18cfba1c-1010-4b1e-b7ac-eda00fdf3302>

Alsop, Ruth and Nain heinsohn, (200), *Measuring Empowerment in Practice: Structuring Analysis and Framin Indicators*. World Bank Policy Research Working Paper 35 Available at:<http://siteresources.worldbank.org/ntempowerment/resourses>.

Bennett, Lynn (2002), *Using Empowerment and Social Inclusion for Pro-poor Growth: A Theory of Social Change*. Working Draft of Background Paper for the Social Development Strategy Paper. Washington, DC: World Bank.

Beteta, Hanny Cueva (2006), 'What is missing in measures of Women's Empowerment?', *Journal of Human Development and Capabilities*, 7: 2, 221 – 241.

Chant, S. (2003), *Female Household Headship adn the Feminisation of poverty: Facts, Fictions and Forward Strategies*, Gender Institute, London School of Economics.

Charmes Jacques & Wieringa Saskia (2003), 'Measuring Women's Empowerment: An assessment of the Gender-related Development Index and the Gender Empowerment Measure', *Journal of Human Development and Capabilities*, 4:3, 419 – 435.

- Development Goals: A handbook for policy-makers and other stakeholders; Commonwealth Secretariat, London.
- Garba, P. Kassey (1999), 'An endogenous empowerment strategy: A case-study of Nigerian women', *Development in Practice*, 9: 1, 130 - 141
- Gill, Rebecca and Ganesh, Shiv (2007) 'Empowerment, Constraint, and the Entrepreneurial Self: A Study of White Women Entrepreneurs', *Journal of Applied Communication Research*, 35: 3, 268 – 293.
- Held David , Kaya Ayse (2007), *Global inequality: patterns and explanations*, Cambridge: Polity press
- Kabeer Naila (2003); *Gender Mainstreaming in Poverty Eradication and the Millennium*.
- Kabeer Naila, Mahmud Simeen & Tasneem Sakiba (2011), *Does Paid Work Provide a Pathway to Women's Empowerment? Empirical Findings from Bangladesh*, Institute of Development Studies, Brighton, UK.
- Kvinnofroum (2001), *Measuring Women's Empowerment: A report from a pilot project on methods for measuring women's empowerment in Southern Africa*, By Kvinnoforum in partnership with Organisation of Rural Associations for Progress in Zimbabwe, Namibia National Association of Women in Business, Women's NGO Coalition in Botswana and the Community Development Foundation in Mozambique; Funded by UNDP.
- Longwe Sara H. (1991), *Gender Awareness: the Missing Element in the Third World Development Project*, a Chapter of "Changing Perceptions: Writing on Gender and Development", by Wallace T. & March C.: OXFAM.
- Morell, Carolyn (2004), 'Empowerment Theory and Long-Living Women', *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 7: 3, 225 - 236
- Naila Kabeer, (2012), *Women's economic empowerment and inclusive growth: labour markets and enterprise development*, Centre for Development Policy & Research, School of Oriental & African Studies, University of London.
- Oxaal. Zoe and Sally Baden (1997), "Gender and Empowerment: Definitions. Approach's and Implications for Policy". BRIDGE. Report No.40 . Briefing Prepared for the Swedish International Development Cooperation Agency.
- Pallant Julie (2007), *SPSS Survival Manual: A Step by Step Guide to Data Analysis using SPSS for Windows*, third edition, London, Open University Press
- Raheim Salome, Bolden Jacquelyn (1995), *Economic Empowerment of Low-Income Women Through Self-Employment Programs*, *AFFILIA: Journal of Women and Social Work*, Vol. 10 No. 2: 138-154.



- Santillán Diana, Schuler Sidney Ruth, Anh Hoang Tu, & etal. (2004) 'Developing indicators to assess women's empowerment in Vietnam', *Development in Practice*, 14: 4, 534 – 549.
- Schuler, Sidney Ruth , Islam, Farzana and Rottach, Elisabeth (2010), 'Women's empowerment revisited: a case study from Bangladesh', *Development in Practice*, 20: 7, 840 – 854.
- Schuler, Sidney Ruth and Rottach, Elisabeth(2010) 'Women's Empowerment across Generations in Bangladesh', *Journal of Development Studies*, 46: 3, 379 – 396.